



## مقاله

# واژگان عتیق و دیوان سالاری است



احمد قائم مقامی

نظام بوروکراسی در ایران از هر زاویه‌ای که به آن نگرسته شود، بوی کهنه‌گی می‌دهد که بارزترین مشخصه ایستایی این نظام و ماسیدن آن در قطعی خاص از تاریخ است. آنقدر که حتی حضور مظاهر تکنولوژی جدید و ابزارهای مثل رایانه هم نتوانسته است زنگار عتیقه بودن را از ساختار باستانی ادارات ما پاک کند و رنگ و لعاب‌های ظاهری و تلاش برای به روز نشان دادن تنها در حد آب و رنگ بیرونی کارساز بوده است و درون هنوز همان است که سی، چهل سال پیش بود و قبل‌تر از آن حتی. عبور از لایه‌های بیرونی پوشانده شده بر قامت نظام کهنه اداری چندان هم دشوار نیست و نگاهی به ادبیات بوروکراتیک و نظام نامه نگاری اداره جاتی حتی در آن‌جا که این نظام از در تعامل با جامعه بیرونی بر می‌آید به خوبی وجود استخوان‌بندی باستانی و روح کهنه حاکم بر دیوان سالاری ما را مشخص می‌سازد.

هنوز هم در نامه‌های اداری «عطف به..... مورخ.....» و به استحضار عالی می‌رساند..... تا اوامر مقتضی صادر گردد. نشان دهنده ادبیاتی است که تقریباً با شروع کار ادارات به معنای معاصر آن در ایران به کار گرفته شد و طی بیش از هشت دهه تقریباً بی‌تغییر ماند و جز در مواردی استثنایی تغییری در شیوه و واژگان مورد استفاده به وجود نیامد و جالب این‌که کارکنان نظام اداری آدم‌هایی همگون با زندگی امروزاند و در داخل و خارج از اداره به زبانی حرف می‌زنند که سختی و شباهت چندان با ادبیات ادارای ندارد و به نظر می‌رسد بین آن‌ها و روح کهنه حاکم بر ادارات، خط فاصله‌ای به قطر یک دیوار عظیم وجود دارد که اینان اجازه عبور از آن را نمی‌یابند به معنای دیگر کارکنان ادارات به زیران معابدی می‌مانند که به هنگام نیایش به ناچار از زبان دیگری برای خواندن اوارد و ادعیه بهره می‌گیرند که زبان رایج آنان نیست.

اما اگر در یک معبد یا مکان مقدس ارتباط بین زایر و زیارتگاه یک ارتباط درونی و معنایی است در نظام

اداری ارتباط باید ارگانیک و بر مبنای تعامل باشد که نیست و کارکنان سیستم در رابطه‌ای یک سویه با این نظام همچون نیروهای مقهوری هستند که لزوماً باید از روح حاکم بر این نظام تبعیت کنند بدون این‌که بتوانند در تعاملی حتی با سهم اندک تأثیری داشته باشند و یا تغییری در ماهیت موجود به وجود آورند. نگاهی به ادبیات اداری و زبان رایج در این نظام چگونه‌گی عدم تعامل مؤثر بین کارکنان نظام اداری و ماهیت این نظام را آشکار می‌سازد. ضمن این‌که عامل بودن نیروهای انسانی برای انتقال پیام‌های تأثیر پذیرفته از روح نظام اداری بدون این‌که توان یا علاقه‌ای به ایجاد تغییر داشته باشند تسلیم بودن آن‌ها را در برابر تابوهای بوروکراتیک و اجرای دستورهای نشات گرفته از روح عتیقه این نظام به خوبی نمایان می‌سازد. نگاهی به برخی از تابلوهای هشداردهنده در سطح شهرها که از سوی نظام اداری و با هدف پیام رسانی به جامعه نصب شده است موضوع را روشن‌تر می‌کند. از سرعت خود بکاهید! این پیام بر اساس ادبیات رایج در جامعه می‌تواند به این شکل ساده نوشته شود، سرعت خود را کم کنید. که بی شک درک معنای آن راحت‌تر است و توان تأثیرگذاری آن به دلیل استفاده از زبان رایج بیشتر و آن‌چه که مانع از چنین نگرشی می‌شود تابو شدن رسوم و آیین‌های دیوان سالارانه است. استفاده از واژه‌های منسوخ ماند عطف به..... به استحضار می‌رساند..... مسبق به سابقه..... گزارشات و اصله! و بسیاری دیگر از این گونه واژگان در واقع نمایانگر نوعی ایستایی بنیانی در نظام اداری ماست و این کهنه‌گی به ویژه آن‌جا که پای مفاد قانون و آیین نامه‌ها به میان می‌آید به آشکاری بیشتری خود را نشان می‌دهد تا آن‌جا که بسیاری از مخاطبان معنای خیلی از واژه‌هایی را که نویسنده در ارجاع به یک ماده قانون یا مسایل جانبی آن نوشته است نمی‌فهمند و بنا بر عادت ناچار به تعبیر و تفسیر می‌شوند که همیشه هم لزوماً نمی‌تواند درست باشد. بنابراین به نظر می‌رسد فرهنگستان زبان پیش از آن‌که به فکر جایگزینی سازی برای واژه‌های تکنولوژیک باشد باید زبان رایج در سیستم بوروکراسی را مورد توجه قرار دهد و آن را به زبان معیار و زبان مردمی که با نظام بوروکراتیک سر و کار دارند برگرداند. هر چند که لزوماً این تغییر روبنای نمی‌تواند تغییردهنده ساختار درونی دیوانسالاری کهنه باشد و گام اصلی باید در جهت نوسازی بنیادین ساختار دیوانی ما برداشته شود.